

تحلیل روزنامه صبا از هشتمین نشست «بازیابی»

مشق دموکراسی در هنر



یاسر سماوات
گفت و گو

هشتمین نشست از سلسله نشست‌های «بازیابی» با عنوان «مداخله نهادهای هنری در صورت‌بندی امروز و فردا» هفته گذشته با حضور ایرج راد رئیس هیئت مدیره خانه تئاتر، حمیدرضا نوربخش مدیر عامل خانه موسیقی ایران، آسیه مزیانی معاون هنری خانه هنرمندان ایران و محمدمهدی عسگرپور رئیس هیئت مدیره خانه سینما در خانه هنرمندان برگزار شد. روزنامه صبا در این شماره این نشست را تحلیل و بررسی کرده است.

معلوم است که چه اتفاقی می‌افتد بنا بر این اینجا باید نشان دهیم که عده و عده ما چیست و باید کیفیت حضور را مشخص کنیم. کاری که ما در آن جلسات می‌کردیم این بود که با ۲۰ نفر از سینماگران سرشناس شرکت می‌کردیم و فقط با یک آگهی رسمی نمی‌رفتیم چون اگر آن آگهی رسمی و موارد قانونی کار ساز بود، باید در همه حوزه‌ها اینگونه می‌بود در صورتی که اساساً اینگونه نیست. ما این را به آقایان گفتیم و به آنها برخورد. اگر اصناف به شکل طبیعی وجود داشت، لازم نبود به این شکل برای پیگیری مطالبات برویم.»

لبوفروش و کودتای ۲۸ مرداد!

در ادامه نشست، ایرج راد، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر مقوله فعالیت‌های صنفی حوزه سینما و تئاتر را مربوط به سالیان دور دانست (زمانی که گونه‌هایی از هنر در کشور وجود داشت اما کسی به صورت پیشه به آن‌ها نمی‌پرداخت) نکته جالب سخنان راد، بحث او درباره تعریف صنوف در آن سال‌ها بود و اینکه لبوفروش تعریف حرفه‌ای داشت اما هنرمندان راه‌آورد که بازگویی با مطالعه محسوب می‌شود (راد فارغ‌التحصیل تئاتر در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه کاردیف ولز است) از فعالیت بخش خصوصی تئاتر پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ صحبت کرد و تاثیر این کودتا بر فعالیت صنفی در حوزه سینما سخن راند. اشاره او به بخش‌های ۱۷ گانه خانه تئاتر و ایرادات شرعی که بعدها به فعالیت آن‌ها گرفته شد. همچنین اشاره او به تاریخ معاصر تئاتر پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و دو سه سال پس از آن که مردم برای تماشای نمایش‌ها در تئاتر شهر، ضمن اشاره او به روی کار آمدن دولت اصلاحات و طرح شکل‌گیری تشکل‌های صنفی در آن مقطع و شکایتی که به دیوان عدالت اداری رسید و باعث بازگشت تئاتر به خانه اول شد، قابل بررسی است. درباره این مباحث ایرج راد، به یقین باید کارگروهی برای مطالعه آسیب‌شناسی تئاتر ایران در دوران معاصر شکل گیرد. چه تنها از این طریق می‌توان از گذشته و آنچه بر تئاتر ایران طی دوران پرفراز و نشیب پیش از انقلاب، پس از آن و دوران جنگ و دو دهه اخیر درس گرفت.

در ادامه عسگرپور در پرسش که آیا نهادهای صنفی می‌توانند به شکل طبیعی فعالیت کنند یا نه؟ تصریح کرد حاکمیت علاقه‌ای به فعالیت طبیعی این صنوف ندارد. حال این که چقدر نظر عسگرپور به واقعیت نزدیک است، خود حدیثی مفصل است. البته او به ثبت نشدن نهادی مثل خانه سینما در یک مرجع نیز اشاره کرد. عسگرپور که از سال ۱۳۸۸ مدیر عامل خانه سینما بوده تاکید می‌کند نهادهای حاکمیتی، علاقه‌ای به قوام صنوف فرهنگی و هنری ندارند. البته عسگرپور مخالفت جدی با تشکیل سندیکاها در حوزه فرهنگ و هنر را به عنوان یک نظریه مطرح کرد و این یعنی در این مقاله جای بحث و تشکیک است. درباره بلاتکلیفی نهادهای صنفی اما می‌توان حق را به عسگرپور داد. نکته عجیب صحبت‌های این بخش مدیر عامل خانه سینما فقدان بالانس در دادن مجوز فعالیت به افراد در حوزه سینماست که دلیلش موضع‌گیری علیه برخی صنوف است. عسگرپور برای نمونه به جمعیت ۶۰۰ نفری تهیه‌کنندگان سینما، مقابل جمعیت ۴۰۰ نفری دستیاران کارگردان‌ها اشاره می‌کند! این اشارات و توصیفات مدیر عامل خانه سینما، بی‌گمان محل مطالعه است. اینکه به ازای هر بازیگر یک تهیه‌کننده در این حوزه فعالیت می‌کند، پدیده‌ای غریب محسوب می‌شود! همینطور اشاره به تعداد فیلم اولی‌ها طی چند سال گذشته که دو مبحث را مطرح می‌کند. نخست ناکارآمدی یک صنف و دوم وجود انگیزه‌های برای کار انداختن آن صنف. در ژرفای این مطلب می‌توان مصائبی را که یک مدیر فرهنگی هنری، بیش از یک دهه با آن دست به‌گریبان بود لمس کرد اما زمانی که او از وجود انگیزه‌هایی برای کار انداختن صنوف هنری صحبت می‌کند، این واقعیت که جامعه هنر ایران از حقوق خود اطلاع زیادی ندارند، بیش از گذشته نمایان می‌شود. به یقین مراجع بالاتری در کشور برای پیگیری حقوق صنفی هنرمندان یا هر قشر دیگری وجود دارد که از این پس می‌توان با اتکا به آن‌ها به کامیابی حقوقی این قشر مظلوم جامعه ایران نزدیک‌تر شد.

این کارگردان درباره روند شرکت در جلسات با مسئولان برای پیگیری مطالبات صنفی خانه سینما بیان کرد: «یک موقع با آگهی رسمی روزنامه به عنوان خانه سینما برای مطالبات می‌رویم و حُب،

عبور از اپیدمی خودسانسوری

در ابتدای نشست، آسیه مزیانی به اختصار به تشریح نقش سه نهاد مهم عرصه هنر (سینما، تئاتر و موسیقی) در پیامد اتفاقات ماه‌های اخیر پرداخت و از تشکیل کمیته «کمیته پیگیری و حمایت قضایی از هنرمندان» برای دفاع از حقوق صنف هنری کشور تمجید کرد. نکته جالب توجه صحبت‌های مزیانی امیدواری او به گفتمان با افراد این سه عرصه با صراحت بیان بود. بی‌گمان عبور هنرمندان از اپیدمی خودسانسوری، گامی بزرگ در راه تحقق آزادی بیان مطابق اصول قانون اساسی است. چه با استناد به نص صریح ماده ۲۶ منشور حقوق شهروندی (همه شهروندان از حق آزادی بیان برخوردارند. آنها می‌توانند در محدوده قانون، نظرات و عقاید خود را ارجاع به هر موضوعی منتشر و یا دریافت کنند. دولت باید به شکل ویژه‌ای این اصل را در همه زمینه‌های ارتباطی، رسانه‌ای و فضای مجازی مورد حمایت خود قرار دهد). به یقین اگر جامعه هنری ایران این قطعه از قانون اساسی را بیش از این و بدون واگرمه در دستگاه‌های موسیقی خود به نواختن در آورند یا در فیلم‌های سینمایی و تئاتر آن را به تصویر بکشند، بدل به بیان جامعه ایرانی خواهند شد.

خانه‌ای روی آب!

در ادامه محمدمهدی عسگرپور از اهمیت مقوله هویت نهادهای صنفی به ویژه هنگام بحران‌های اجتماعی صحبت کرد. او از تفاوت عملکرد این سه نهاد فرهنگی (سینما، تئاتر و موسیقی) حرف زد و از اینکه نهادهای فرهنگی به مثابه یک خانه عمل نمی‌کنند، انتقاد کرد. در عین حال از عملکرد ۳۲ صنف خانه سینما که در عین برخی تضادها در منافع کنار یکدیگر عمل می‌کنند سخن راند. به نظر عسگرپور به درستی از مقوله همراهی در عین تفاوت یاد کرده است. این موضوع بحثی همه‌گیر در جامعه است اما جامعه هنر می‌تواند پیشاهنگ توسعه آن در اقصی نقاط کشور باشد. به یقین زمانی که همه اعضای یک پیکره با وجود تفاوت برای هدفی واحد تلاشی قانونمند دارند، می‌توان به تحقق مفاهیمی چون جامعه مدنی، مردم‌سالاری و حاکمیت بدون قید و شرط قانون امید بست.